

بازخوانی مسئولیت مدنی و جبران خسارت در تمدن اسلامی در برابر تمدن‌های دیگر؛ با تأکید بر مبانی اعتقادی و کلامی

زهرا شاه‌مردی^۱
سید محسن جلالی^۲
محسن ولایتی^۳

چکیده

در دنیای مدرن، شبکه برق نقش حیاتی در زندگی انسان ایفا می‌کند، اما خطرات و خسارات ناشی از آن نیز قابل چشم‌پوشی نیستند. جبران این خسارات موضوعی پیچیده و چندوجهی است که در تمدن‌های مختلف به روش‌های متفاوتی مورد رسیدگی قرار گرفته است. در این مقاله به بررسی جبران خسارات ناشی از شبکه برق در تمدن اسلامی و سایر تمدن‌ها به صورت تطبیقی می‌پردازد. هدف از این تحقیق، یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در نحوه جبران خسارات در تمدن‌های مختلف و ارائه راهکارهایی برای بهبود این فرآیند در دنیای امروز است. در تمدن اسلامی، جبران خسارات ناشی از شبکه برق بر اساس مبانی فقهی و اخلاقی انجام می‌شده است. قواعدی مانند ضمان، تسیب و استیفاء در این زمینه نقش اساسی داشتند. بر اساس این قواعد، هر کس که به دیگری ضرری برساند، موظف به جبران آن ضرر است. در سایر تمدن‌ها نیز روش‌های مختلفی برای جبران خسارات وجود داشته است که عمدتاً بر اساس قوانین و عرف هر تمدن بوده است. در برخی موارد، مسئولیت جبران خسارات به طور کامل بر عهده شرکت‌های برق بوده و در برخی دیگر، این مسئولیت بین شرکت‌های برق و مصرف‌کنندگان تقسیم می‌شده است. مقایسه روش‌های مختلف جبران خسارات در تمدن‌های مختلف نشان می‌دهد که در برخی موارد شباهت‌ها و در برخی دیگر تفاوت‌هایی بین آنها وجود دارد. یکی از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق، تأکید بر نقش دولت در جبران خسارات ناشی از شبکه برق در تمدن اسلامی است. در سایر تمدن‌ها نیز دولت در برخی موارد مسئول جبران خسارات بوده است، اما این مسئولیت به طور کامل و مطلق نبوده است. با توجه به یافته‌های این تحقیق، می‌توان پیشنهاد کرد که مبانی فقهی تمدن اسلامی در زمینه خسارات ناشی از برق، چارچوبی جامع و عادلانه برای رسیدگی به این مسأله ارائه می‌دهد. این مبانی می‌تواند به عنوان الگویی برای سایر تمدن‌ها در زمینه رسیدگی به این مسأله مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

شبکه برق، جبران خسارت، تمدن اسلامی، سایر تمدن‌ها.

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.
Email: z.shahmardi@iau.ir

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.
Email: dr_smj@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.
Email: M.velayati52.yahoo.com

طرح مسأله

شبکه برق به عنوان یکی از زیرساخت‌های حیاتی جوامع امروزی، نقشی کلیدی در تامین انرژی مورد نیاز مردم برای مصارف مختلف ایفا می‌کند. با این حال، بروز نقص و خرابی در این شبکه می‌تواند خسارات مادی و معنوی قابل توجهی به افراد و جامعه وارد کند. از این رو، جبران خسارت ناشی از برق به یکی از بحث‌های مهم در تمدن‌های مختلف تبدیل شده است.

سابقه این بحث به دوران‌های بسیار قدیم باز می‌گردد. در تمدن‌های مختلف، روش‌های متفاوتی برای جبران این خسارات وجود داشته است که عمدتاً بر اساس قوانین، عرف و فرهنگ هر تمدن بوده است. در تمدن اسلامی و سایر تمدن‌ها، چه روش‌هایی برای جبران خسارات ناشی از شبکه برق وجود داشته است؟ شباهت‌ها و تفاوت‌های این روش‌ها در تمدن‌های مختلف چه هستند؟ کدام روش‌ها در تمدن‌های مختلف کارآمدتر و عادلانه‌تر بوده‌اند؟

بررسی روش‌های جبران خسارات ناشی از برق در تمدن‌های مختلف و مقایسه آنها با یکدیگر، به همراه پاسخ به سوالات مطرح شده، می‌تواند گامی مهم در جهت درک بهتر نحوه جبران این خسارات به طور کارآمدتر و عادلانه‌تر در دنیای امروز باشد.

گرچه خسارات ناشی از برق در تمدن‌های مختلف ممکن است شباهت‌هایی داشته باشند، مانند تعیین میزان خسارت بر اساس فرهنگ آن جامعه، اما تفاوت‌های قابل توجهی نیز در نحوه وقوع، شدت و پیامدهای آنها وجود دارد. درک این تفاوت‌ها برای تمدن‌ها ضروری است تا بتوانند برای مقابله با این خطرات و کاهش تأثیر آنها بر زندگی مردم خود برنامه‌ریزی کنند. با شناخت عوامل مؤثر در بروز خسارات، تمدن‌ها می‌توانند اقدامات پیشگیرانه مناسب را اتخاذ کنند. به عبارت دیگر خسارات ناشی از برق پدیده‌ای پیچیده است که در تمدن‌های مختلف به شکل‌های گوناگونی خود را نشان می‌دهد. درک شباهت‌ها و تفاوت‌های این خسارات در تمدن‌های مختلف، گامی ضروری برای برنامه‌ریزی اثربخش و کاهش پیامدهای منفی آن بر زندگی انسان‌ها است.

با وجود اهمیت این موضوع، تاکنون پژوهشی جامع به بررسی خسارات ناشی از برق در تمدن‌های مختلف نپرداخته است. تحقیقات موجود در این زمینه بیشتر به جنبه‌های مدیریتی موضوع پرداخته و از بررسی عمیق مبانی فقهی تمدن‌ها در این زمینه غفلت کرده‌اند. این پژوهش با تمرکز بر رویکرد فقهی تمدن اسلامی، به دنبال یافتن ارتباط بین مبانی فقهی تمدن اسلامی و دیگر تمدن‌ها در زمینه خسارات ناشی از برق است. هدف از این پژوهش، ارائه الگویی جامع و عادلانه برای رسیدگی به این مسأله بر پایه مبانی فقهی تمدن اسلامی است. در حالی که اصول کلی جبران خسارت در تمدن‌های مختلف تا حدودی مشابه است، نحوه جبران خسارت ناشی از شبکه برق در تمدن‌های مختلف می‌تواند به طور قابل توجهی متفاوت باشد. این تفاوت‌ها ناشی از عوامل متعددی از جمله قوانین و مقررات ملی، ساختارهای حقوقی، رویکردهای فرهنگی و دیدگاه‌های اقتصادی است. در این پژوهش، ضمن بررسی مبانی جبران خسارت در تمدن‌های مختلف، تأکید ویژه‌ای بر مبانی فقهی و حقوقی تمدن اسلامی خواهد شد. تمدن اسلامی با دارا بودن سابقه غنی در زمینه حقوق و فقه، می‌تواند الگوی مناسبی برای جبران خسارات ناشی از شبکه برق ارائه دهد.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با پیشینه تحقیق، تحقیقات متعددی در ارتباط با جبران خسارت انجام گرفته است. هر یک از این تحقیقات از زوایای متفاوت، جبران خسارت‌های ناشی از اتفاقات و خسارت‌های مدنی را بررسی کردند. به عنوان مثال نیک‌فرجام (۱۳۹۲) جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق را بررسی کردند. محققان همچنین به موضوعات جبران خسارت در حقوق بیمه (امیران بخشایش و باریکلو، ۱۳۹۳)، روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی (حاجی عزیزی، ۱۳۸۰)، جبران مالی خسارت معنوی در حقوق اسلامی (نقیبی، ۱۳۸۶)، قاعده لاضرر و جبران خسارت معنوی به خانواده (نقیبی، ۱۳۹۰)، جبران مادی خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران (نجفی فتاحی، ۱۳۸۳)، حق تقلیل ثمن و ارتباط آن با جبران خسارت (رنجبر صحرائی، ۱۳۸۸)، جبران خسارت فارغ از قصور (سلیمانپور و ایروانی، ۱۳۹۹)، تحلیل فقهی و حقوقی چگونگی جبران خسارت «نقص زیبایی» در جرائم

منجر به سوختگی (نظری توکلی و همکاران، ۱۳۹۸)، مبانی و مستندات فقهی و حقوقی قاعده تقلیل خسارت (میرنقی زاده و چراغی، ۱۳۹۷)، ارکان و شرایط مسئولیت مدنی دولت برای جبران خسارت (سرتیپ زاده و غفاری، ۱۳۹۷)، مبانی فقهی و اسلامی مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارت از نگاه حقوقی (سرتیپ زاده و غفاری، ۱۳۹۷) را بررسی نمودند. در راستای بررسی نوآوری تحقیق همانگونه که مشاهده می‌شود پژوهش‌های مختلف، به نوعی موضوعات خسارت و جبران آنرا از ابعاد و در زمینه‌های مختلف بررسی نموده‌اند اما هیچ یک از آنها از دیدگاه حقوقی و فقهی و آن هم در ارتباط با جبران خسارت ناشی از شبکه برق به این موضوع پرداخته‌اند. لذا پژوهش حاضر سعی داشته جبران خسارت ناشی از شبکه برق را از دیدگاه حقوقی و فقهی بررسی نماید تا از یک طرف خلا پژوهشی مشاهده شده را برطرف نماید و از طرف دیگر با استفاده از منابع حقوقی و فقهی برای مصرف کنندگان شبکه برق، ایجاد امنیت روانی و مالی ایجاد نماید و مشخص نماید تمدن اسلامی در زمینه‌های مختلف حقوقی و فقهی پیشینه غنی و پرباری دارد. در این پژوهش، به بررسی آراء و نظرات فقهای اسلامی در مورد جبران خسارت ناشی از شبکه برق پرداخته خواهد شد. این امر می‌تواند به درک عمیق‌تر این موضوع از منظر فقهی و همچنین ارائه راهکارهای جدید برای جبران خسارات کمک کند. به منظور دستیابی به اهداف تحقیق با استفاده از روش شناسی پژوهش، از فلسفه تفسیری، رویکرد استقرائی و روش کیفی بهره گرفته شد. بدین منظور داده‌ها و اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردید. در این راستا کتب حقوقی و مذهبی و همچنین مقالات مرتبط بررسی شد و مستنداتی که در آنها ارائه شد، مورد بازبینی و استفاده قرار گرفت. لذا این تحقیق از نظر هدف، توصیفی و از حیث روش کیفی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

مبانی جبران خسارت در تمدن‌های مختلف

مبانی جبران خسارت در تمدن‌های مختلف بر اساس قوانین، مقررات، ساختارهای حقوقی، رویکردهای فرهنگی و دیدگاه‌های اقتصادی هر تمدن شکل می‌گیرد.

تمدن‌های غربی: در تمدن‌های غربی، جبران خسارت بر اساس مسئولیت مدنی استوار است. این به معنای آن است که فرد یا سازمانی که به دیگری خسارت وارد می‌کند،

موظف به جبران خسارت وارده است.

منابع جبران خسارت در تمدن‌های غربی

قانون مدنی: مهم‌ترین منبع جبران خسارت در تمدن‌های غربی، قانون مدنی هر کشور است.

قانون مدنی قواعد کلی مربوط به جبران خسارت، مانند مسئولیت مدنی، ایراد ضرر، و تقصیر را مشخص می‌کند.

رویه قضایی: رویه قضایی دادگاه‌ها در تمدن‌های غربی نقش مهمی در تفسیر و تکمیل قواعد قانون مدنی مربوط به جبران خسارت دارد. آراء قضایی در این زمینه به عنوان منبع حقوقی لازم‌الاجرا تلقی می‌شوند.

قرارداد: افراد و اشخاص حقوقی در تمدن‌های غربی می‌توانند با انعقاد قرارداد، شرایط جبران خسارت را در روابط خود تعیین کنند.

تمدن‌های شرقی: در تمدن‌های شرقی، مبانی جبران خسارت بر پایه‌ای ترکیبی از عرف و عادت، قوانین مدنی، و قواعد مذهبی استوار است. در این تمدن‌ها، به طور کلی ارزش‌های سنتی و حفظ صلح اجتماعی نقش مهمی در جبران خسارت ایفا می‌کند.

منابع جبران خسارت

آداب و رسوم: آداب و رسوم و عادت در تمدن‌های شرقی نقش مهمی در جبران خسارت دارد. این آداب و رسوم قواعد کلی مربوط به نحوه جبران خسارت در موارد مختلف را مشخص می‌کنند. به عنوان مثال، در برخی از تمدن‌های شرقی، رسم بر این است که فرد خاطی دیه به فرد زیان‌دیده بپردازد.

قوانین مدنی: در برخی از تمدن‌های شرقی، قوانین مدنی نیز در زمینه جبران خسارت وضع شده است. این قوانین معمولاً بر اساس آداب و رسوم و عرف و عادت تدوین می‌شوند. قوانین مدنی می‌توانند جزئیات بیشتری را در مورد نحوه جبران خسارت ارائه دهند.

مذهب: در برخی از تمدن‌های شرقی، مذهب نیز در جبران خسارت نقش دارد. قواعد

مذهبی ممکن است در زمینه جبران خسارت در مواردی مانند قتل، جراحات، و خسارات مالی اعمال شوند. به عنوان مثال، در برخی از مذاهب شرقی، دیه برای قتل نفس تعیین شده است.

مبانی فقهی و حقوقی جبران خسارت در تمدن اسلامی

در تمدن‌های اسلامی، جبران خسارت بر اساس فقه و شریعت استوار است. قوانین فقهی نحوه جبران خسارت در موارد مختلف، مانند جراحات، مرگ، و خسارات مالی را مشخص می‌کنند.

مبانی جبران خسارت در تمدن اسلامی به طور جامع‌تر ابعاد مختلفی را در مقایسه با سایر تمدن‌ها در نظر می‌گیرد. در ادامه به بررسی این ابعاد می‌پردازیم:

۱. مفهوم خسارت

خسارت در عربی مصدر و برگرفته از ریشه (خسر) به معنای نقصان، هلاکت، (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱۸۲/۲) زیان، (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۴۵۶)، نقص در اعیان (مقری فیومی، بی تا، ۳۶۰)، ضد نفع، (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ۴۲۹/۷؛ ابن اثیر جزری، بی تا، ۸۱/۳) است. هرچند ضرر و خسارت یک مفهوم عرفی و از امور بدیهی بوده و نیاز به تعریف ندارد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۳) اما در فارسی خسارت به معنای زیان بردن، زیان دیدن، زیانکاری (عمید، ۱۳۶۴، ص ۴۵۱) و به معنای ۱- ضرر مادی یا معنوی، خسارت مقابل سود و نفع ۲- آسیب و صدمه و ۳- نقصان، زیان بردن و ضرر رسانیدن است (معین، ۱۳۶۴، ۱۷۶۷/۲).

محققان اظهار داشته اند که؛ « خسارت، معنای ضرر و نقصان در مال یا عرض یا در بدن است» (خویی، ۱۴۱۹، ۴۴۹/۳؛ حلی، ۱۴۱۵، ۲۰۷). در این تعریف ضرر عنوانی است که به اموال، آبرو و بدن وارد می‌شود. برخی یگر اظهار داشته اند که؛ «ضرر از نظر عرف نقص مالی یا آبرویی یا جانی یا هر چیز دیگر است که درباره بعدی از ابعاد وجودی شخص است، به شرط آن که مقتضی قریب ان تحقق یافته باشد» (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۲۰۷). در این تعریف ملاک تحقق ضرر را، عرف دانسته شده که مال، آبرو و جان و هر چیز دیگری را

در بر می‌گیرد. در لسان فقهاء (نراقی، ۱۴۱۷، ۴۹) یکی از فقها گفته است « ضرر به معنای از دست دادن هر چیزی که واجد آن هستیم و از آن بهره مند می‌شویم مثل هر یک از مواهب و نعمتهای زندگی اعم از جان یا مال یا حیثیت یا هر چیز دیگر، می‌باشد» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۵۵/۱). هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود و یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف و شخصی لطمه‌ای وارد شود، گفته میشود ضرری به بار آمده است (رستمی و ناصر، ۱۳۹۷: ۵۱). با توجه به تعاریف بیان شده، این نتیجه قابل استنباط است که اکثر فقها ضرر را شامل هر گونه زبانی که به مال، آبرو، حیثیت و جان کسی وارد شود، می‌دانند.

از منظر حقوقی، قانونگذار در تعریف لفظ خسارت، ساکت است. برخی از حقوق‌دانان (آخوندی، ۱۳۸۵، ۲۷۲/۱) اظهار داشته‌اند که؛ در عرف قضایی کشور ما اصطلاح «ضرر و زیان» بدون اینکه هر یک از کلمات آن دارای آثار حقوقی ویژه‌ای باشد، متداول گردیده است و در اغلب نوشته‌های حقوقی و قضایی در متن بعضی از قوانین دیگر نیز با همین ترکیب بکار رفته و مصطلح شده است چنان که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۹، ۱۰، و ۱۴-۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره شد. لذا بکارگیری این واژگان با هم صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چرا ضرورتی ندارد که قانون‌گذار کلمات زائد یا مترادف برگزیند و در متن قانون بکار ببرد.

با این همه در لسان حقوق‌دانان خسارت عبارت است از؛ «الف- مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مالی به دیگری شده به متضرر داده شود. ب- زیان وارد شده را هم خسار می‌گویند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ۲۶۰). یا «هر جا نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعتی مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه وارد گردد، می‌گویند ضرر به بار آمده است» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۱۴۲). طبق تعریف اول خسارت هم به اصل زیان وارد شده و هم به مالی که برای جبران این زیان بایستی به متضرر پرداخت شود، اطلاق می‌شود. اما طبق تعریف دوم خسارت، علاوه بر این که شامل نقص در اموال و لطمه به سلامت، حیثیت و عواطف شخصی است، فوت منفعت مسلم را نیز جزء خسارت به شمار آورده است که تعریفی جامع و کامل به نظر می‌رسد.

۲. مبانی بحث جبران خسارت

جبران خسارت از مواردی است که در مبانی اسلامی و حقوقی به آن اشاره شده است. خداوند در قرآن و آیات مختلفی به جبران خسارت افراد اشاره داشته است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲-۱. قرآن

۱-۱-۲) آیه اکل مال به باطل

خداوند در سوره بقره اشاره داشته است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ ...»: و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید ... (بقره/۱۸۸). خداوند در این آیه اکل مال به باطل را مذمت نموده و منهی عنه نموده است. در این آیه، خوردن خصوصیتی ندارد و تعبیر «اکل» بدین جهت آمده که خوردن مهمترین نیاز انسان است و گرنه هر گونه تصرف و تملک را در بر می‌گیرد و باطل به معنای نابودی و ناپایداری و ضد حق است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱/۲۵۸) و هر چیزی که حق نباشد باطل است (ابن منظور، ۱۱/۵۶).

مفسرین در تفسیر آیه گفته‌اند که باطل مواردی زیادی را در بر می‌گیرد من جمله، ربا خواری، رشوه‌گیری، سوگند دروغ، قمار بازی، معاملات فاسد، غضب و تصرف عدوانی و هر غیر حقی را در بر می‌گیرد. چنان که برخی از مفسرین قائل بر این هستند که «بهرتر است باطل را حمل بر همه معانی کنیم چون آیه عمومیت دارد» (طبرسی، ۱۴۳۰، ۱/۱۳۴) و عده ای از فقهاء می‌گویند که «آیه عام است و همه تصرفات ناروا را در بر می‌گیرد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱/۶۹؛ انصاری، ۱۴۱۵، ۲۱۵؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ۱/۶۴).

بنابراین عمومیت آیه و این که همه تصرفات ناروا را شامل می‌شود در صورتی که دولت در اجرای طرح‌های عمرانی خود موجب تصرف حق دیگری گردد و یا خسارتی به دیگری وارد نماید به استناد آیه مزبور مسئولیت مدنی دارد.

۲-۱-۲) آیه اعتدی

از دیگر آیاتی که بسیاری از فقها (اصفهانی، ۱۶۱۸، ج ۲، ۳۲۲؛ حلی، ۱۳۳۹، ۹۸۹؛ محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۷۵) در زمینه جبران خسارت به آن استناد نموده‌اند؛ آیه

«فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ...» (به طور کلی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید!...» (بقره/ ۱۹۴) می‌باشد.

از دیدگاه فقهای مزبور، آیه فوق یکی از مصادیق اعتدی در امور مالی و اتلاف مال غیر است. از طرفی بیان نحوه جبران خسارت حاکی از مفروض بودن اصل مسئولیت است چنان که برخی از فقهاء (علامه حلی، ۱۴۱۹، ۹۸۹) برای اثبات مسئولیت مرتد بدان استناد نموده است و برخی از مفسرین اظهار داشته اند که جایز است که به مقتضای این آیه شریفه، غاصب و ظالمی را که نمی‌توان مظلومه‌ای را جز با گرفتن مالش به مقدار آنچه غصب کرده است، انجام داد. می‌توان آن را گرفت؛ خواه به حکم حاکم باشد یا نباشد (فاضل مقداد، بی تا، ۱/ ۳۹۹).

مستفاد از آیه فوق دو چیز است اولاً اعلام جواز یا به تعبیر دیگر جعل حق مواخذه و مطالبه برای طرفی که مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته است و ثانیاً این که مورد مطالبه می‌تواند مقابله به مثل باشد که در این حکم آیه؛ «مثل بگیری» کنایه از آن است که اگر مثلی باشد مثل بگیری و اگر قیمی باشد قیم گرفته شود (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۱/ ۷۵). به بیان فوق در این آیه حکم واضحی موجود است مبنی بر این که هر کس مال دیگری را تلف نماید ضامن است. به تعبیری می‌توان گفت که آیه در مقام جعل حق و بیان حکم وضعی است. البته استدلال برای ضامن به آیه فوق مورد خدشه و مناقشه برخی از فقهاء (انصاری، ۱۴۱۵، ۱/ ۶۹؛ توحیدی، ۱۳۷۱، ۳/ ۱۴۸) قرار گرفته است. در مجموع تحلیل این آیه باتوجه به این نکات که هر کس مال دیگری را تلف نماید ضامن است، اتلاف مال دیگری بدون اذن صاحب آن از مصادیق تجاوز و تعدی به دیگری محسوب می‌شود و موجب ضمان است، هر چند توسط دولت صورت گرفته باشد، نشان می‌دهد که دولت یا همان اداره برق مسئولیت جبران خسارت به فرد زیان دیده را دارد.

۳-۱-۲) آیه معاقبه

از دیگر آیات قابل استناد به منظور جبران خسارت آیه معاقبه می‌باشد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَ اِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوْا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهِ:» و هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها بمقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید...» (نحل/ ۱۲۶)

برخی از فقها با استناد به آیه اظهار داشته‌اند که آیه بر جواز مقاصه دلالت می‌کند و مقتضای این جواز ضمان به شیء است (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ۸۶/۲۲) و برخی دیگر اطلاق در امور مالی را مصداق معاقبه دانسته که حاصل آن ثبوت ضمان است (اصفهانی، ۱۶۱۸، ۲/۲۲۳). اما برخی از فقها گفته‌اند با توجه به اینکه معاقبه شامل مال و جان می‌شود و مفهوم آن مجازات و مقاصه است، آیه فوق منحصر به امور جزایی بوده و ارتباطی به مسئولیت مدنی ندارد و همچنین نمی‌توان با استناد به این آیه مسئولیت‌های مدنی را بررسی نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۸: ۲۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۲/۱۹۵). بنابراین تحلیل این آیه اینگونه است که اگر کسی به وسیله ارتکاب جرمی، خسارتی به دیگری وارد نماید، زیان دیده با استناد آیه مزبور حق مقابله به مثل دارد حتی اگر فرد از دولت یا شخص ثالث زیان دیده است. چه این که دیدگاه صاحب جواهر در آیه مزبور مبنی بر اطلاق در امور مالی است که حاصل آن ضمان است.

۲-۲. سنت

روایات و احادیث فراوانی بر ضمان ناشی از اطلاق دلالت می‌کند که ذیلاً به نقل برخی از آنها پرداخته می‌شود.

۱) «منقول است از امام صادق(ع) در باب شهادت کذب که فرمودند اگر خود شیء وجود داشته باشد به صاحبش برگردانده می‌شود و اگر وجود نداشته باشد شاهد به میزان مالی که تلف کرده ضامن می‌باشد». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷/۳۲۷).^۱

۲) روایتی دیگر که شیخ صدوق از اسماعیل بن صباح نقل می‌کند که «از امام صادق(ع) در مورد رنگریزی پرسیدم که کالایی به او تسلیم شده و او کالا را پاره کرده یا سوزانده است آیا باید خسارت آن را پرداخت نماید؟ امام فرمود او را به جنایتی که انجام داده است جریمه کن». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۹/۱۴۴؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۳/۲۵۳).

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي شَاهِدِ الزُّورِ قَالَ - إِنْ كَانَ الشَّيْءُ قَائِمًا بَعَيْنِهِ رُدَّ عَلَى صَاحِبِهِ - وَإِنْ لَمْ يَكُنْ قَائِمًا ضَمِنَ بِقَدْرِ مَا أُتْلِفَ مِنْ مَالِ الرَّجُلِ».

۲. «رَوَاةُ الصَّدُوقِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الصَّبَّاحِ نَحْوَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: عَنْ الْقِصَارِ يُسَلَّمُ إِلَيْهِ الْمَتَاعُ فَيُخْرِقُهُ أَوْ يُخْرِقُهُ أَيْعُرْمُهُ قَالَ عُرْمُهُ بِمَا جَنَّتْ يَدُهُ».

باتوجه به تحلیل صورت گرفته، اینگونه استنباط می‌شود که اگر یک فرد یا سازمان، به هر طریقی در ارائه خدماتی که انجام می‌دهد و یا محصولی که تولید می‌کند، خسارتی را مستقیماً و از طریق آن خدمت به خریداران وارد آورد، بایستی زیان ناشی از آن را نیز تقبل کند. توزیع برق در کشور بصورت انحصاری در اختیار اداره برق می‌باشد و این موضوع در اختیار هیچ شرکت دیگری نمی‌باشد. باتوجه به اینکه اداره برق، مسئولیت توزیع برق را در کشور دارد، جبران ضرر ناشی از اراده نادرست خدمات همچون سوختن وسایل الکترونیکی به عهده آن است. بنابراین حاصل روایات مذکور حاکی از این است که افراد اعم از حقیقی و حقوقی در برابر اعمال زیان آور خود در مقابل دیگران مسئول بوده و باید نسبت به جبران خسارت وارده اقدام نمایند.

۳-۲. عقل

با مراجعه به زندگی خردمندان، قطع نظر از ادیان، این نکته مسلم به نظر می‌رسد که عقلاً وقتی شخصی مبادرت به اتلاف مال دیگری می‌کند، ذمه او را در قبال مالک مشغول و او را ضامن می‌شناسند، به این معنا که او را مسئول پرداخت مثل یا قیمت می‌دانند. (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۱/۱۱۲). قاعده اتلاف امری عقلایی است چنان که اگر شخصی مال دیگری را از بین ببرد یا مصرف نماید یا معیوب سازد و یا آن را برای مالک به صورت غیر قابل استفاده‌ای درآورد اگرچه اصل مال از بین نرفته باشد مانند اینکه مال را در اختیار غاصب قرار دهد و یا پرنده را از قفس آزاد سازد، چنین شخصی ضامن است» (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۳۴۱/۲). لذا از لحاظ عقلی نیز بایستی توجه شود که اگر مالی در اثر بی دقتی افراد یا سازمان دیگری که تامین کننده بایسته های آن (از جمله سوخت برقی یا نفتی) هستند، خراب یا تلف شود، سازمان ارائه دهنده آن باید ایراد آن خسارت را قبول نموده و هزینه ناشی از آنرا تقبل نمایند.

۴-۲. اجماع فقها

گرچه اجماع در خصوص موضوع بحث مفید فایده نمی‌باشد چون اجماع بصورت خاص مدرکی محسوب نمی‌شود یعنی اجماعی که فقها با اتکاء به آیات و روایات یا حکم

عقل بیان میدارند و خود اجماع به صورت مستقل حجّت نیست. لیکن نظریات فقها و اتفاق و هم رأیی آنان در خصوص ضمان ناشی از اتلاف مال غیر قابل انکار است گر چه نسبت به مصادیق آن اختلاف نظر جزئی وجود دارد چنان که برخی از فقها اذعان داشته اند که؛ «دلیل بر قاعده اتلاف، ضرورت و اجماع است» (مراغی، عناوین الاصول، ص ۲۹۳) و همچنین در تایید آن آمده که؛ «قاعده اتلاف مورد قبول تمامی فقهاست و در آن کسی اختلاف نکرده بلکه ممکن است بگوییم: میان تمامی فرقه‌های مسلمین قاعده‌ای مسلم است و چه بسا گفته می‌شود که این قاعده از ضروریات دین می‌باشد» (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ۱۷/۲).

۳. قواعد فقهی

از دیگر مبانی جبران خسارت قواعد فقهی هستند. قاعده فقهی در لسان فقهاء فرمولی بسیار کلی است که منشا استنباط احکام محدودتر واقع می‌شود و به مورد خاصی اختصاص ندارد بلکه مبنای احکام مختلف و متعدد قرار می‌گیرد (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۲۱/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ۱۲/۳).

۳-۱. «قاعده من اتلف مال الغير فهو له ضامن»

به موجب این قاعده هر کسی مال دیگری را تلف نماید ضامن است. برخی از فقها (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۹/۲) اظهار داشته اند که قاعده مزبور مفروض در مقام تلف مال است (ید امین) نه اتلاف (ضمان). برخی دیگر از فقهاء (علامه حلی، ۱۴۱۹، ۳۸۴/۱) در استناد به قاعده فوق برای ضمان اظهار می‌دارند که «لقوله من اتلف ضمن» از عبارت «لقوله» چنین بر می‌آید که ایشان مضمون فوق را مدلول روایت می‌داند و برخی از فقهای معاصر اظهار داشته‌اند که «لا اشکال فی ان اتلاف مال الغير اینما تحقق فهو موجب للضمان، للقاعده المحکمه الناصه: بان من اتلف مال الغير فهو له ضامن» (جوادی آملی، ۱۴۰۵، ۴۳۲). به واقع می‌توان گفت که قاعده مذکور با توجه به واژه «ناصه» مسلم و منصوص است و ممکن است در عبارت ایشان اشاره به صراحت آن داشته باشد. برخی (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ۳۳۲) با تردید اظهار داشته‌اند که به احتمال قوی قاعده مزبور ماخوذ از روایات است.

در مقابل این دیدگاه عده‌ای دیگر از فقها اتلاف مبتنی بر قاعده را منصوص نمی‌دانند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ۳۱/۹۱؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۶، ۸۲؛ توحیدی، ۱۳۷۱/۴۴). اما همان طور که صاحب جواهر هم اشاره نموده بود، حدیث مزبور از اشتها قابل توجهی بین فقها برخوردار است و آنچنان در این زمینه کاربردی است که به قول برخی از فقهای معاصر به صورت یک قاعده در آمده است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ۱/۱۱۰).

فارغ از نص بودن قاعده مزبور توجه به مفهوم قاعده و کاربردی بودن آن و همچنین اشتها آن بین فقها حاکی از این است که قاعده مزبور می‌تواند مبنای احکام متعدد قرار گیرد. بنابراین در فرض ما قاعده مزبور می‌تواند در قبال اعمال زیان آور دولت مورد استناد قرار گیرد و او را مسئول قلمداد نماید؛ چرا که به موجب این قاعده هر کس اعم از حقیقی یا حقوقی مال دیگری را تلف نماید نسبت به جبران آن ضامن است. در همین راستا باید گفت قاعده مزبور مفروض در مقام تلف مال است نه اتلاف لذا طبق قاعده مزبور، در زمانهایی که اداره برق باعث تلف و از بین رفتن یک مال شود بایستی خسارت وارده را جبران کند.

۲-۳. قاعده لاضرر

از دیگر قواعدی که می‌توان به استناد آن قائل به جبران خسارت شد قاعده لاضرر است. گرچه مشهور فقهاء لاضرر را به عنوان قاعده فقهی پذیرفته‌اند اما برخی از آنها مانند شهید صدر لاضرر را قاعده نمی‌دانند. همچنین باید دانست که نسبت به مفاد قاعده لاضرر بین فقها اختلاف است. چنان که بر اساس برخی مبانی مفاد لاضرر جعل حکم شرعی نیست بلکه نفی حکم و محدود کردن وضع شرعی یا جلوگیری از وضع حکم شرعی است. لاضرر نفی حکم شرعی است و نه حکم شرعی به نفع ضرر (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۷، ۷).

از دیدگاه برخی از فقها حدیث لاضرر، وجود احکامی را در شریعت که عمل بدان‌ها موجب ضرر می‌شود، نفی می‌کند «مدلول قاعده، نفی حکم شرعی است که موجب ضرر می‌شود» (انصاری، بی تا، ۲/۵۳۴) بنابراین در حدیث، با نفی مسبب (ضرر)، سبب ضرر (احکام ضرری) نفی شده است. از منظر برخی دیگر از فقها (انصاری، بی تا، ۵۳۲) ضرری

که از جانب شارع جبران نشده باشد در اسلام وجود ندارد. پس مدلول حدیث نفی ضرری است که از نظر شارع جبران و تدارک شده باشد» و از منظر حضرت امام (ره) لاضرر از احکام حکومتی به شمار می‌رود (امام خمینی، ۱۴۲۰، ۵۵).

با همه این نظرات مختلف سخن این است که قاعده لاضرر در اثبات ضمان کاربرد دارد یا خیر؟

باید دانست در این خصوص بین فقها اختلاف است به نحوی که عده‌ای به پیروی از شیخ انصاری قائل بر این هستند که قاعده لاضرر اثبات ضمان نمی‌کند چون نقش لاضرر را برداشتن حکم می‌داند نه اثبات حکم. از طرفدان این گروه محقق نائینی (۱۳۷۳، ۲/۲۲۱) است که معتقد است لاضرر همیشه به صورت معارض و مخالف عموماً دیگر وارد صحنه می‌شود و بر آن‌ها غلبه می‌کند. پس باید همواره حکم ثابتی به نحو عموم وجود داشته باشد و بعضی مصادیق آن ضرری باشد تا به موجب قاعده لاضرر، شمول آن حکم عام نسبت به آن مصداق مرتفع گردد. به تعبیر ایشان لاضرر نقش بازدارندگی دارد تا سازندگی و در ادامه اظهار می‌دارد که چنانچه برای لاضرر قائل به نقش اثباتی در احکام باشیم ملزم به تاسیس فقه جدیدی هستیم (همان) و (خوانساری، ۱۴۰۵، ۵/۱۹۲).

در مقابل برخی (طباطبایی، ۱۴۱۸، ۲/۳۰۲) برای اثبات ضمان به قاعده لاضرر تمسک نموده‌اند و شیخ (انصاری، ۱۴۱۵، ۱۰۳) از پیشروان نظریه رافعی در قاعده لاضرر است که در ضمان مقبوض به عقد فاسد بدان استناد نموده است: ^۱ این قاعده بر زیان ناظر بر کرامت و اعتبار اشخاص انطباق پیدا می‌کند و بدون هیچ تردیدی مواردی را که یکی از متعلقات کرامت انسانی یا اعتبار اشخاص در معرض تضییع قرار می‌گیرد شامل می‌شود (قنواتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

یکی از مهمترین تفاسیر لاضرر که قائل به جبران خسارت است تفسیر مرحوم نراقی

۱. «اللهم أَلَا ان یستدلّ علی الضمان فیها: بما دلّ علی احترام مال المسلم و انه لا یحلّ أَلَا عن طیب نفسه، و ان حرمة ماله کحرمة دمه و انه لا یصلح ذهاب حق احد. مضافاً: الی ادلّة نفی الضرر، فکلّ عمل وقع من عامل لاحد یقع بامرّه، و تحویلاً لغرضه، فلا بدّ من اداء عوضه لقاعدتی الاحترام و نفی الضرر». متن مزبور حاکی از این است که مستندات شیخ برای ضمان علاوه بر لاضرر قاعده احترام مال مومن نیز می‌باشد.

است که ایشان استعمال «لا» در عبارت «لا ضرر و لا ضرار» در معنای اصلی و نفی دانسته و مقصود از ضرر را ضرر غیر متدارک می‌داند؛ بدین معنی که ضرر غیر متدارک در اسلام وجود ندارد. فلذا از آنجا که شارع مقدس ضرر غیر متدارک را جایز نمی‌داند در حقیقت در عالم تشریح ضرر غیر متدارک را نفی نموده و آن را به منزله معدوم به حساب آورده است (نراقی، ۱۴۱۷، ۴۷). بنابر تحلیل صورت گرفته، شارع مقدس با این حکم افراد را ملزم به جبران ضرر نموده است به نحوی که هر کس موجب ضرر و زیانی نسبت به غیر شود باید آن را جبران و تدارک نماید و در نظر شارع موردی نیست که کسی به دیگری ضرر برساند و ملزم به جبران آن نباشد. از مطالب فوق به نظر می‌رسد بتوان قاعده لاضرر را مستند اصل جبران خسارت به وسیله دولت به حساب آورد چنان که حقوق‌دانان در مباحث مسئولیت مدنی که مبتنی بر جبران خسارت است از آن به کرات استفاده نموده‌اند. از طرفی باتوجه به نظر برخی از فقها، لاضرر بودن بیشتر باعث می‌شود تا اداره برق تلاش کند باعث زیان نشود و در جبران ضرر کمتر آنرا موجب به جبران خسارت می‌کند بلکه خسارت زدن به اموال را از ابتدا محدود می‌کند و نفس ضرر رساندن به دیگران را مخرب دانسته و از آن نهی می‌کند، لذا این قاعده موجب اثبات نمی‌شود.

۴. مسئولیت دولت و خسارت ناشی از شبکه برق

مسئول از ریشه سوال به معنی بازخواست شده، پرسیده شده (ابن فارس زکریا، ۱۴۰۴، ۱۲۴/۳) و متعهد شدن «المَسْئُولِيَّةُ: التَّبَعَةُ» (سعدی ابوجیب، ۱۶۲) آمده است. راغب می‌گوید مراد از سوال در خصوص زنده به گور شدن دختران در آیه ۸ سوره تکویر همان مسئولیت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۳۷). دکتر لنگرودی مسئولیت را تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری می‌داند که به دیگری وارد کرده است خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعلیّت او. در ادامه می‌گوید که در همین معنی در فقه لفظ ضمان را بکار برده شده و معنی آن هر نوع مسئولیت اعم از مسئولیت مالی و کیفری است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ۶۴۲). «ضمان» به‌عنوان اصطلاح متعارف در قلمرو فقه و حقوق، به‌ویژه در ابواب معاملات، حقیقتی واحد به‌معنای «تعهد، مسئولیت و التزام» است و این مفهوم واحد، به‌اعتبار اسباب گوناگون ایجاد تعهدات و مورد تعهد، تکثر می‌یابد و

تقسیم ضمان به معاوضی، قهری و عقدی در متون فقهی و حدیث، بههمین اعتبار صورت گرفته است (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹). در دانشنامه حقوقی ضمن بیان مراد از مسئولیت که ضمانت و ضمان می‌باشد اصطلاحاً مسئولیت را در فقه و حقوق تعهدی معرفی می‌کند که به موجب ضرر وارده بر غیر در برابر قضاء برای شخص به نفع فرد متضرر بوجود می‌آید (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸، ۳ / ۱۸۳۹). تبصره ۱ ماده ۶ قانون سازمان برق ایران در تعریف شبکه برق مقرر می‌دارد: «مؤسسه برق عبارت از شرکت یا بنگاه یا سازمانی است که به کار تولید یا انتقال یا توزیع و خرید و فروش نیروی برق به طور عمده یا جزئی اشتغال داشته باشد اعم از این که دولتی یا متعلق به شهرداری یا وابسته به آن و یا خصوصی و مختلط باشد...». تعریف مزبور حاکی از این است که شرکت برق هم می‌تواند دولتی و هم می‌تواند خصوصی باشد اما شاخصه اصلی آن تولید، انتقال، و... برق به طور عمده یا جزئی است. قانونگذار به موجب ماده واحده قانون استقلال شرکت‌های توزیع نیروی برق در استانها مصوب ۸۴/۱۲/۹. توزیع نیروی برق توسط شرکت‌های استانی را فقط در امر «توزیع نیروی برق - از نظر مدیریتی، اداری، مالی و تامین منابع انسانی» مستقل اعلام نموده است.

در صورتی که اشاره ای به تولید و انتقال نیروی برق نکرده است. اما به نظر می‌رسد تولید و انتقال نیروی برق که در سطح منطقه صورت می‌گیرد مستقل از وزارت نیرو (شرکت توانیر) نمی‌تواند باشد زیرا تولید و انتقال نیروی برق جزو طرح های عمرانی دولت به حساب می‌آید. علاوه بر آن به موجب بند ۳ ماده واحده مذکور شرکت‌های برق استانی (از نظر توزیع و تامین منابع انسانی و مدیریتی و اداری و مالی) از شرکت‌های برق منطقه‌ای مستقل اعلام شده اند. بنابراین قانون استقلال شرکت‌های برق استانها تنها نسبت به توزیع نیروی برق مستقل هستند نه تولید و انتقال. در واقع تولید و انتقال برق در حوزه تخصصی دولت است.

دولت از جمله اشخاص حقوق عمومی است که مستثنی از اصل تخصص^۱ دارای

۱. اصل تخصص بدین معناست که؛ هر شخص حقوقی فقط می‌تواند در حدود صلاحیت قانونی یعنی درباره اموری که به موجب قانون یا بر طبق اساسنامه جزء اختیارات و وظایفش گذاشته شده است عمل کند.

صلاحیت مطلق بوده و این حق را دارد که در تمام امور اجتماع مداخله نماید. مداخله دولت در امور مختلف به موجب اعمال تصدی و حاکمیتی است. اما به موجب همین اعمال حاکمیتی، قانونگذار در قوانین خاص مختلف از جمله، ماده ۱۲ قانون بکارگیری سلاح توسط مامورین نیروهای مسلح مبنی بر به دست گرفتن سلاح توسط مامور و ورود صدمه یا خسارت به شخص بی‌گناه، ماده ۳۳۲ ق.م.ا. مبنی بر عدم تخلف مامور نظامی در اجرای دستور امر قانونی مبنی بر تیر اندازی و عدم تخلف از مقررات، ماده ۱۴۵ قانون امور گمرکی مبنی بر تخطی از بیمه نکردن کالا در گمرک و ورود خسارت به موجب ماده ۴۶ قانون مزبور، ماده ۷۳ قانون معادن مصوب ۶۲ مبنی بر خسارت در اثر انفجار، قانون جبران خسارت وارده از انفجار در مرمیات نیروهای مسلح مصوب ۵۶، و ماده ۶۶ قانون تامین اجتماعی مبنی بر آسیب کارگر در کارخانه، ماده ۱ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی برای اجرای برنامه‌های عمومی و عمرانی و نظامی، ماده ۹ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶؛ و وی را ملزم به پرداخت خسارت وارده به افراد نموده است و حتی در برخی قوانین (قانون بکارگیری سلاح توسط مامورین نیروهای مسلح (ماده ۱۲) مقنن دولت را هر ساله ملزم به تخصیص منابعی برای جبران خسارت وارده در این زمینه نموده است.

۵. تحلیل، ترکیب و تفسیر حقوقی

باتوجه به موضوعات بررسی شده، ابتدا بایستی بررسی نمود چه ملاحظات اخلاقی و فلسفی و اقتصادی موجب می‌شود تا اداره برق از لحاظ مدنی و فقهی مسئول شناخته شود و در عمل چه اهداف و نیازهایی را مسئول شناختن وی در بردارد. این موضوعات در آیات مختلف و اصول حقوقی این پژوهش بیان گردید که نظریات و آیات بسیاری در این پژوهش مطرح شده است. برخی نظریات ابزارگرا هستند و مسئولیت مدنی را ابزاری اجتماعی برای هدف‌های اجتماعی و بازداشتن افراد از پیش گرفتن رفتار غیر اجتماعی و زیانبار در آینده می‌دانند.

اما برخی مخالفان با ابزارگرایی اقتصادی، خطر و هزینه مدنظر آنها می‌باشد و می‌گویند مسئولیت مدنی ابزاری نیست و اگر این هدف‌ها را دارد، اعتبار خود را از این اهداف نمی‌گیرد و بایستی گفت علاوه بر جبران خسارت، پیشگیری و جلوگیری از ورود

خسارت نیز از اهداف مسئولیت مدنی است و به بیان دیگر اگر زیان زنده، زبانی را ایجاد کند و زیان دیده‌ای که قدرت جلوگیری از تسری را دارد ولی چون می‌داند در هر حال تمامی زیان وی جبران می‌شود، اقدامی جهت پیشگیری از ورود زیان بیشتر نمی‌کند. چرا که این امر برای وی از حیث اقتصادی و اندیشیدن به نفع بیشتر، کارایی ندارد. با این فرض یکی از اهداف مسئولیت مدنی که باز داشتن افراد جامعه از رفتار غیر اجتماعی است ناکام می‌ماند، و از طرفی برای آنکه این هدف تامین گردد لازم است بین درجه ی تقصیر وارد کننده ی زیان عمدی یا غیر عمدی و میزان جبران خسارت رابطه ی مستقیمی وجود داشته باشد، در حالی که در عمل زمانی که بخشی از خسارت به جهت کاهلی زیان دیده در جلوگیری از خسارت ایجاد شد، این خسارت را مستقیماً زیان زنده ایجاد نموده است. لذا نبایستی جبران زیان را بر دوش او بنهیم.

مضافاً حقوق دانان و شارحین قانون مدنی (کاتوزیان، ۱۳۹۲؛ قاسمزاده، ۱۳۸۷، ۲۵؛ رحیمی و صفایی، ۱۳۸۹، ۷۸؛ تقی زاده و هاشمی، ۱۳۹۱، ۶۰) مبانی مسئولیت مدنی را مبتنی بر نظریه‌های تقصیر، خطر، تضمین حق و استناد عرفی می‌دانند. به موجب نظریه تقصیر وجود فعل زیان بار از ارکان طرح دعوی مسئولیت مدنی است که می‌تواند در قالب‌های فعل یا ترک فعل و حقوقی و مادی صورت گیرد. تقصیر خواه عمدی باشد یا غیر عمدی مسئولیت ایجاد می‌کند. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت را بر تقصیر استوار نموده است. از تقصیر در حقوق موضوعه با معانی دیگری چون تعدی، تفریط، بی احتیاطی، بی مبالاتی، غفلت، عدم مهارت، اهمال و مسامحه استفاده شده است.

در فتاوی فقهاء با استناد به احادیث معتبر (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۰/۱۹) توجه به تقصیر عرفی و ارزش و اعتبار عرف محل در تشخیص و عدم تشخیص و مسئول قرار دادن مقصّر مبنی بر حکم ضمان بوضوح آمده است (خویی، ۱۴۲۲، ۲۴۹/۲؛ امام خمینی، بی تا، ۹۸ و ۹۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۸، ۳۰۰/۲؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴، ۱۵/۳۷؛ محقق داماد، ۱۴۰۶، ۱۱۷/۱؛ بجنوردی، ۱۴۰۱، ۳/۱). قانون مدنی هم به پیروی از فقه اسلامی ضمن مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ و بویژه ماده ۱۲۱۶ داوری درباره تقصیر را با معیار نوعی پذیرفته است و معیار تمیز خطا را داوری عرف می‌داند (قاسمزاده، ۱۳۸۷، ۳۰ و ۶۲ و ۶۳). اما به موجب نظریه خطر هر کس که از کاری سود می‌برد باید زیان‌های ناشی از آن را نیز تحمل نماید.

(همان، ۳۶). محققان نیز این مسئله را با عبارت « من له الغنم فعليه الغرم: کسی که از مزایا و منافع امری بهره‌مند می‌گردد باید از عهده خسارات و زیان‌های ناشی از آن برآید» (امامی، بی تا، ۴۱/۲؛ طاهری، ۱۴۱۸، ۲۷۸/۱؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ۳۶). از طرفی مسئولیت مدنی ابزاری است برای رسیدن به کارایی اقتصادی در اداره برق و یکی از طرق رسیدن به این کارایی از راه ایجاد انگیزه در پیش گرفتن اقدامات احتیاطی که از نظر هزینه قابل توجه است، می‌باشد و راه دیگر توزیع عادلانه‌ی ضرر در بین اعضای جامعه و از حیث بازدارندگی اقتصادی حادثه، هم برای زیان‌دیده و هم واردکننده‌ی زیان هزینه دارد و پیشگیری از تسری حادثه هم هزینه در بردارد. کارایی مدنظر برای ادارت دولتی از جمله اداره برق ایجاب می‌کند تا هزینه‌های حوادث کاهش یابد که این هزینه‌ها مشمول کاهش تعداد و شدت حوادث می‌باشد. به عنوان مثال، اگر اداره برق باعث ایجاد خسارت به کولر گردید و این موضوع باعث شد تا فرد بیمار در آن خانه، گرم‌زده شود و این گرم‌زادگی منجر به بیماری شدیدتر و در پی آن عوارض دیگر گردد، عدم اقدام زیان‌دیده موجب ایجاد حوادث جدید می‌گردد و از طرفی اقدام به موقع می‌تواند هزینه‌های درمانی را نیز کاهش دهد و همچنین هزینه‌های اجتماعی اختلال در زندگی نیز کاهش می‌یابد و از طرفی یکی از اهداف مسئولیت مدنی این است که افراد را وادارد تا هزینه‌های حوادثی همچون خسارت به کالاها یا ماشین‌آلات خانگی یا صنعتی (هزینه‌های دور از انتظار حوادث) و هزینه‌های پیشگیری از حوادث و هزینه‌های مراقبت و احتیاطی را به حداقل برسانند، پس مسئولیت بر عهده‌ی کسی قرار می‌گیرد که از خطر قریب‌الوقوع آگاهی داشته و با هزینه‌ی کمتری می‌توانسته از آن پیشگیری کند. لذا اگر اداره برق از نوسانات برق اطلاع داشته، پس می‌بایست به نحوی شایسته به مشترکین خود اطلاع‌رسانی می‌کرد. چون نوسانات برق معمولاً کنترل شده می‌باشد و جریان ولتاژ برق یا ناشی از آزادسازی عمدی جریان برق توسط اداره برق و یا خراب بودن ترانس یا سایر تجهیزات برقی می‌باشد که در این حالت هم مسئولیت نوسان برق و خسارت وارده بر خواهان با اداره برق می‌باشد. علاوه بر توجیه قاعده بر مبنای مسئولیت مدنی، اصولی نیز وجود دارد که مسئولیت مدنی زیان‌دیده بر مبنای آن استوار است. در همین راستا دیدگاه مبتنی بر فایده‌گرایی (رفاه‌گرایی) که مقرر می‌دارد آنچه درستی یا نادرستی عملی را مشخص می‌کند نتایج آن عمل

است و به واقع تاثیری که فعل یا ترک فعل در جهان می‌گذارد و معیار درستی یا نادرستی یک عمل است. مقابله با خسارت موجب رفاه بیشتر جامعه می‌گردد و در مجموع به نفع جامعه و حتی عدالت بین افراد و اشخاص است و از طرفی مقابله با خسارت مستلزم حداکثر خیر مادی برای طرفین است و در برخی نظام‌های حقوقی مثل نظام‌های حقوقی اسلامی هم علاوه بر موارد فوق این قاعده می‌تواند ریشه در اخلاق مذهبی که حفظ جان و مال را واجب گردانیده، داشته باشد.

مطالب دیگری هم که باید متذکر شد این است که در بسیاری موارد، خطای شخصی موجب بروز خسارت مالی یا معنوی می‌گردد. به بیان دیگر هرگاه بین دو طرف رابطه‌ای قراردادی نباشد و اقدام زیان‌بار عامل نیز به موجب قوانین ممنوع نباشد، اگر فعل یا ترک فعل عامل موجب بروز خسارتی گردد که بتوان به او منسوب نمود، منشأ خسارت، خطای شخص یا سازمان عامل است. خطا در مفهوم گسترده آن شامل ارتکاب فعل از روی سوء نیت و عمد و نیز بی‌مبالاتی و «فعل عام» غفلت و یا حتی خطای محض می‌گردد در تمام این موارد، رابطه‌ی علیت بین باید وجود داشته باشد و او باید به حکم قانون و به طور قهری مسئولیت جبران «وقوع خسارت» خسارت وارد بر زیان دیده را بر دوش کشد. این نوع مسئولیت به عنوان ضمان قهری یا مسئولیت مدنی مرسوم گردیده است و دارای گستره‌ی فراوانی است. بعنوان مثال، اتلاف مال غیر بدون مجوز قانونی یا تصرف آن، هتک حریم منزل، بروز خسارت به لوازم صنعتی یا منزل، سوء استفاده از شهرت تجاری یا علائم صنعتی، تحریف یا اقتباس نابجای یک اثر علمی یا ادبی و مانند آن، نمونه‌هایی از خسارات مالی یا معنوی هستند که ممکن است حتی بدون سوء نیت و از روی اشتباه عامل، بروز نمایند. در هر حال، در این قبیل موارد تقاضای جبران خسارت مبتنی بر خطای مدنی یا مسئولیت مدنی می‌باشد؛ یعنی همین که رابطه زیان با فعل مرتکب احراز شود او در برابر زیان دیده با رعایت شرایط دیگر مسئول جبران خسارت وارده شناخته می‌شود.

در خصوص نظریه تضمین حق یا حمایت از حقوق زیان‌دیده گرچه به موجب این نظریه هر شخص می‌تواند از اموال و دارایی و منافع و مزایای آن که لازمه فعالیت زندگی اجتماعی است، منتفع شود (عامر، ۱۳۷۶-۱۹۵۶، ۱۶۵) اما هرگونه اقدام و فعالیت‌هایی که موجبات اضرار به دیگران را فراهم آورد غیر منطقی خواهد بود (نظری، ۱۳۹۲، ۲۶) چنان

که اصل ۴۰ قانون اساسی بر آن تصریح نموده و در بیان عدم سوء استفاده از حق، اجرای حق را منوط به عدم اضرار به دیگری بیان می‌کند که این موضوع نشان می‌دهد وقتی اداره برق باعث خسارت شود، بایست آنرا بعهدہ بگیرد نه اینکه لزوماً افراد مجبور شوند از پیگیریهای مکرر دادگاه و با هزینه های دادرسی و وکالت فراوان به چیزی که حق خود است دست یابند.

یکی دیگر از نظریاتی که بیان شد، نظریه تقصیر است. بر اساس نظریه تقصیر، شبکه برق وقتی مسئول است که در انجام وظایف خود در امر تولید و انتقال مرتکب تقصیر شده باشد. در این باب شبکه برق با سایر افراد حقوق خصوصی تفاوتی نخواهد داشت و احراز رابطه علیت بین تقصیر و ضرر حاصل از عامل، جبران خسارت خواهد بود، منتها بار اثبات تقصیر بر عهده زیان دیده می‌باشد که در صورت اثبات تقصیر بر زیان وارده، قادر به دریافت غرامت خواهد بود (ماده ۶ تصویبنامه شماره ۲۹۰۵۲-حریم خطوط هوایی انتقال و توزیع نیروی برق مصوب ۱۳۴۷ و تبصره ماده ۱۸ قانون سازمان برق ایران) و همچنان که مذکور افتاد بر اساس نظریه خطر دولت که از منافع سود می‌برد باید از عهده خسارات وارد شده بر زیان دیده برآید. نکته قابل ذکر این که هرگاه زیان دیده با تقصیر خود خطر را بپذیرد از دریافت خسارت محروم خواهد شد. بنابراین مسئولیت مدنی دولت در قانون ایران بیشتر مبتنی بر نظریه خطر است؛ چرا که به موجب این نظریه موقعیت خطرناک را در همه موارد ذکر شده در قوانین خاص را دولت ایجاد نموده است خواه از آن نفع مادی ببرد خواه نفع معنوی. چنان که در فرض ما فاعل افعال ریانبار دولت است و وی مسئول هر گونه فعالیت زیان باری است که ایجاد کرده است. من باب مثال در فرض عبور سیم فشار قوی برق از فضای مزارع و املاک دیگران بدون اذن صاحب آن که بر اثر تشعشعات مضر موجب سلب هر گونه تصرف و منفعت از ملک می‌شود. فلذا به موجب نظریه خطر هر کس که از کاری سود می‌برد باید زیان‌های ناشی از آن را نیز تحمّل نماید. برای تحقق مسئولیت دولت به موجب این نظریه فقط کافی است بین زیان و افعالی که موجبات آن را فراهم نموده رابطه سببیت موجود و برقرار باشد. بنابراین در فرض ما دولت به عنوان شخص حقوقی عمومی در حوزه تولید و انتقال برق و همچنین به استناد قوانین خاص چنان که مذکور افتاد (در اعمال حاکمیتی) در صورتی که موجبات تضرر دیگران را فراهم

نماید مسئول بوده و مکلف به جبران خسارت وارده می‌باشد. موید نظر ما رای صادره از دیوان عدالت اداری است.

شعبه ۷ دیوان عدالت اداری در خصوص پرونده ای با شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۹۵۵۳۰۰۳۱۱ مبنی بر این که شرکت‌های توزیع نیروی برق، شخصیت حقوقی مستقل از شرکت برق منطقه ای داشته و دعاوی مربوط به تعرفه برق به طرفیت شرکت‌های توزیع نیروی برق باید اقامه گردد و همچنین با توجه به این که کلیه تعهدات و حقوق عمومی مربوط به بخش توزیع، از شرکت برق منطقه ای به شرکت‌های توزیع نیروی برق منتقل یافته و حسب بند ۲ ماده واحده صدرالذکر، شرکت‌های توزیع نیروی برق مستقل از شرکت برق اقدام و فعالیت دارند، لذا با توجه به مراتب فوق و عدم توجه شکایت مطروحه نسبت به خوانده [شرکت برق منطقه ای] در اجرای بند پ ماده ۵۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۹۲، قرار رد دعوا صادر نموده است. همچنین رأی شعبه ۵ دیوان عالی کشور در خصوص پرونده با شماره دادنامه ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۸۹۰۰۴۹۵ در تاریخ: ۹۲/۸/۱۲ مبنی بر «شرکت‌های توزیع نیروی برق در استان‌ها غیر دولتی هستند و به دعوی خسارت علیه آنان باید در محاکم عمومی حقوقی رسیدگی شود و نه دیوان عدالت اداری».

ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی اصل را بر مسئولیت دولت در جبران خسارت گذاشته است همچنین قسمت دوم ماده ۱۱ ق.م.م. ناظر به مسئولیت دولت به جبران خسارت ناشی از تقصیر خود می‌باشد. از طرفی دیگر به موجب ماده ۱ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی برای اجرای برنامه های عمومی و عمرانی دولت هر ملک را که خواست تملک می‌کند اما طبق مواد ۳ و ۴ همین قانون ملزم به پرداخت خسارت وارده به صاحب ملک است. همچنین به موجب نظریه شماره ۷/۱۰۹۱ مورخه ۸۲/۶/۳ اداره حقوقی قوه قضائیه مبنی بر این که؛ اگر نسبت به اموال خصوصی تصرفی صورت بگیرد و بعد غیر قانونی بودن آن مشخص شود مرجع عمومی باید از عهده خسارت وارده به افراد بر بیاید. هر یک از ادارات و سازمانهای دولتی بدون رعایت مقررات قانونی املاک اشخاص را تملک نمایند، این تملک فاقد ارزش و اثر قانونی است و مسلم است که قانون هیچ گاه تصرف غیر قانونی را مشروع ندانسته و مورد حمایت قرار نمی‌دهد. با این حال عملکرد محاکم در

نحوه رسیدگی به دعاوی به طرفیت برق منطقه ای (شرکت مادر که تحت نظارت دولت است) یکسان نیست به نحوی که هم آرای متناقضی در این خصوص از محاکم عمومی حقوقی صادر شده و هم این که رسیدگی به این دعاوی در صلاحیت دیوان عدالت اداری است در حالی که دیوان به استناد بند ۳ ماده واحده قانون استقلال شرکت‌های توزیع نیروی برق استانی از خود سلب صلاحیت نموده است و رسیدگی به آنها را به شعب حقوقی عمومی دادگستری ارجاع داده است در صورتی که بند ۳ ماده واحده تنها به امر توزیع اشاره نموده است نه تولید و انتقال نیروی برق که توسط شرکت برق منطقه‌ای صورت می‌گیرد.

فلذا جبران خسارتی که متوجه دولت است مربوط به تولید و انتقال نیروی برق است چنان که عبور سیم فشار قوی بر فراز اراضی فرد اجلائی تصرف تلقی شده؛ چرا که به لحاظ تعشعات خطرناک ملک را از حیز انتفاع اعم از مسکونی، تجاری و کشاورزی خارج می‌کند که به موجب قانون نحوه تملک اراضی مصوب ۱۳۷۱ و قانون مالکیت عمومی و ملی آب مصوب ۱۳۶۱ (مواد ۴۳ و ۴۴) پرداخت قیمت عادلانه تنها روش جبران خسارت دانسته شده است. بنابراین در فرض این پژوهش فارغ از توزیع نیروی برق که به شرکت‌های استانی واگذار شده و این شرکت‌ها به جهت خصوصی بودن مستقل عمل می‌کنند؛ در صورتی که در عملیات عمرانی مانند تولید یا انتقال نیروی برق خسارتی ناشی از این فعالیتها به دیگران وارد شود از آنجا که شرکت‌های برق منطقه ای زیر نظر دولت اداره می‌شوند و خصوصی نیستند لذا دولت موظف به جبران خسارت وارده می‌باشد و رسیدگی به این دعاوی در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.

مقایسه مبانی جبران خسارت در تمدن‌های مختلف

جبران خسارت به معنای جبران ضرر و زیان وارده به فردی است که به او خسارت وارد شده است. مبانی جبران خسارت در تمدن‌های مختلف بر اساس قوانین، مقررات، ساختارهای حقوقی، رویکردهای فرهنگی و دیدگاه‌های اقتصادی هر تمدن شکل می‌گیرد. در جدول ۱، به طور خلاصه به منابع جبران خسارت، ابعاد جبران خسارت، اصول جبران خسارت و روش‌های جبران خسارت در تمدن‌های غربی، اسلامی و شرقی

پرداخته شده است.

در همه تمدن‌ها به نوع خسارت وارده (جسمانی، مالی، یا معنوی) توجه می‌شود. به عنوان مثال، دیه برای جبران خسارات جسمانی، غرامت خسارت برای جبران خسارات مالی، و ارش برای جبران خسارات معنوی تعیین شده است.

جدول ۱- مقایسه مبانی جبران خسارت در تمدن‌های مختلف

تمدن	منابع جبران خسارت	ابعاد جبران خسارت	اصول جبران خسارت	روش‌های جبران خسارت
غربی	قانون مدنی، رویه قضایی، قرارداد	نوع، شدت، رابطه علی و معلولی	عدالت، انصاف	پرداخت غرامت، صلح و سازش، داوری
اسلامی	کتاب و سنت، فقه و اجتهاد، عرف و عادت	نوع، شدت، وضعیت فرد آسیب‌دیده	عدالت، انصاف	پرداخت غرامت، صلح و سازش، داوری
شرقی	آداب و رسوم، قوانین مدنی، قواعد مذهبی	نوع، شدت	عدالت، انصاف، صلح و سازش	پرداخت غرامت، صلح و سازش، داوری

همچنین در همه تمدن‌ها به شدت خسارت وارده (خفیف، متوسط، یا شدید) توجه می‌شود. به عنوان مثال، میزان غرامت خسارت بر اساس شدت خسارت مالی تعیین می‌شود. در تمدن‌های اسلامی و برخی از تمدن‌های شرقی به وضعیت اقتصادی، اجتماعی، و دینی فرد آسیب‌دیده در جبران خسارت توجه می‌شود. به عنوان مثال، در برخی از تمدن‌های اسلامی، دیه مسلمان آزاد بیشتر از دیه مسلمان برده است.

در تمدن‌های غربی و اسلامی بر اصل مسئولیت مدنی تأکید می‌شود. این به معنای آن است که فرد یا سازمانی که به دیگری خسارت وارد می‌کند، موظف به جبران خسارت وارده است. در همه تمدن‌ها به عدالت و انصاف در جبران خسارت توجه می‌شود. هدف از جبران خسارت در این تمدن‌ها، نه فقط جبران ضرر و زیان وارده، بلکه احقاق حق و ایجاد عدالت و انصاف بین افراد است. در تمدن‌های شرقی اصل صلح و سازش در جبران خسارت از اهمیت بالایی برخوردار است. در این تمدن‌ها، هدف از جبران خسارت نه فقط

جبران ضرر و زیان وارده، بلکه حفظ صلح و آرامش در جامعه و جلوگیری از وقوع اختلافات و درگیری‌ها است.

در حالی که هر تمدنی با ویژگی‌ها و دستاوردهای منحصر به فرد خود در جبران خسارت سهم داشته، تمدن اسلامی به دلیل رویکرد جامع و مبتنی بر عدالت خود در این زمینه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

• در تمدن اسلامی، جبران خسارت صرفاً به جبران ضرر و زیان مالی محدود نمی‌شد، بلکه ابعاد مختلف خسارت از جمله خسارات جانی، معنوی و آبروی افراد نیز مورد توجه قرار می‌گرفت. این رویکرد جامع به جبران خسارت، یکی از ویژگی‌های برجسته نظام حقوقی اسلام به شمار می‌رود.

• در تمدن اسلامی، برای جبران خسارات جانی، از جمله قتل، جرح و نقص عضو، دیه تعیین می‌شد. دیه بر اساس معیارهای مشخصی مانند جنسیت، دین و موقعیت اجتماعی فرد آسیب‌دیده محاسبه می‌شد و به ولی دم یا فرد آسیب‌دیده تعلق می‌گرفت.

• در تمدن اسلامی، برای جبران خسارات معنوی مانند توهین، افترا و ضرب و شتم، ارش تعیین می‌شد. ارش به طور دقیق و از پیش تعیین شده نبود و قاضی با توجه به اوضاع و احوال هر پرونده، میزان ارش را تعیین می‌کرد.

• در تمدن اسلامی، خسارات به آبرو نیز مورد توجه قرار می‌گرفت و در برخی موارد، برای جبران این خسارات، ارش تعیین می‌شد. به عنوان مثال، در صورت اثبات تجاوز به عرض، علاوه بر مجازات‌های شرعی، ارش نیز به فرد آسیب‌دیده تعلق می‌گرفت.

رویکرد جامع به جبران خسارت در تمدن اسلامی، نشان‌دهنده توجه این تمدن به عدالت، انصاف، کرامت انسانی و پیشگیری از وقوع جرم و جنایت است. این رویکرد، الگویی ارزشمند برای نظام‌های حقوقی سایر تمدن‌ها به شمار می‌رود.

نتیجه گیری

اهمیت نیروی برق و کاربرد سازنده آن در زندگی روزمره بر کسی پوشیده نیست و همین مزایای فراوان موجب شده که طریقه بهره برداری صحیح از آن منجر به مشکلاتی شود به نحوی که خسارتهایی اعم از مادی و معنوی را به دنبال دارد. جبران خسارات ناشی از برق با چالش‌های متعددی روبرو است. پیچیدگی سیستم‌های برق‌رسانی، اثبات رابطه علی و معلولی بین نقص فنی و خسارت وارده، و دشواری در برآورد دقیق میزان خسارت، از جمله این چالش‌ها هستند. تمدن اسلامی با ارائه رویکردی جامع، مبتنی بر عدالت و انصاف، و با تنوع روش‌ها و منابع غنی، الگویی ارزشمند و کارآمد در زمینه جبران خسارت برای سایر تمدن‌ها به شمار می‌رود.

خسارت در لسان فقها به مفهوم زیان و ضرر و نقصان که خلاف نفع است و در اصطلاح آنها عبارت است از؛ نقص مالی یا آبرویی یا جانی یا هر چیز دیگر که درباره بعدی از ابعاد وجودی شخص باشد و در لسان حقوق‌دانان خسارت؛ ایجاد نقصی در اموال یا از دست رفتن منفعتی مسلم یا لطمه زدن به سلامت و حیثیت و عواطف اشخاص است. ادله جبران خسارت مبتنی است بر مبانی ای همچون؛ کتاب، سنت، اجماع و عقل است. کتاب و سنت، فقه و اجتهاد، و عرف و عادت، منابع غنی برای قواعد و احکام مربوط به جبران خسارت در تمدن اسلامی بودند. این منابع غنی می‌توانند در تبیین و تفسیر قواعد جبران خسارت برق نیز مورد استفاده قرار گیرند. در کنار ادله فقهی قواعد فقهی لاضرر و قاعده اتلاف است که منشا استنباط احکام در جبران خسارت واقع می‌شوند. مشهور فقها و همچنین عقلای عالم اتلاف مال دیگری بدون اذن صاحب آن را از مصادیق بارز تجاوز و تعدی به دیگری محسوب نموده و موجب ضمان دانسته اند.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (بی تا)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چاپ اول.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین. (۱۴۱۳ق) من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
۳. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق) معجم مقاییس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق) لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ سوم.
۵. آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم. (۱۴۰۶ ق) حاشیة المکاسب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول.
۶. آخوند خراسانی، ملا محمد کاظم. (۱۴۰۹ق) کفایه الاصول، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
۷. آخوندی، محمود. (۱۳۸۵ش). آیین دادرسی کیفری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم.
۸. اصفهانی، فتح الله. (۱۴۱۰ق). قاعدة لا ضرر (لشیخ الشریعة)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.
۹. امامی، سید حسن، بی تا، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ اول.
۱۰. امیران بخشایش، عیسی، و باریکلو، علیرضا. (۱۳۹۳). مفهوم اصل جبران خسارت در حقوق بیمه. مجلس و راهبرد، ۲۱(۸۰)، ۱۶۹-۱۹۳.
۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب. کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، چاپ اول.
۱۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (بی تا)، فرائد الاصول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول.

۱۳. بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه، نشر الهادی، قم، چاپ اول.
۱۴. تقی زاده، ابراهیم و احمد علی هاشمی. (۱۳۹۱ش) مسئولیت مدنی، دانشگاه پیام نور، تهران، چاپ اول.
۱۵. توحیدی، محمد علی. (۱۳۷۱ش). مصباح الفقاهه، تقریر بحث سید ابوالقاسم خویی، انتشارات وجدانی، قم، چاپ سوم.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۵ش). ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ شانزدهم.
۱۷. جمعی از پژوهشگران. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۵ق). کتاب الصلوه (تقریر اباحت الحاج سید محمد محقق داماد)، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
۱۹. حاجی ده آبادی، احمد. (۱۳۸۷ش). قواعد فقه جزایی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، چاپ اول.
۲۰. حاجی عزیزی، بیژن. (۱۳۸۰). روش های جبران خسارت در مسئولیت مدنی. دانشور پزشکی، ۹ (۳۶)، ۶۳-۷۲.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت (ع)، قم، چاپ اول.
۲۲. حسینی مراغی، میر عبد الفتاح، بی تا، عناوین الاصول، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
۲۳. خدابخشی، حسن، آیتی، سید محمد رضا و عربیان، اصغر. (۱۳۹۸). بازشناسی مفهومی ضمان و اقسام آن در فقه اسلامی، مبانی فقهی حقوق اسلامی 12، 2 (۲۴)، ۹-۴۰.
۲۴. خوانساری، احمد. (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، اسماعیلیان، قم، چاپ دوم.
۲۵. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). مبانی تکمله المنهاج، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی ره، قم، چاپ اول.
۲۶. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۹ق) القواعد الفقهیه و الاجتهاد و التقليد، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، قم، چاپ اول.
۲۷. رستمی نجف آبادی، حامد، ناصر، مهدی. (۱۳۹۷). تحلیل حقوقی ماهیت خسارت معنوی

- و طرق جبران آن در پرتو آرای فقهی. فقه و مبانی حقوق اسلامی. 73-49, (3) 11 ,
۲۸. رنجبر صحرائی، مسعودرضا. (۱۳۸۸). ارش (حق تقلیل ثمن) و ارتباط آن با جبران خسارت. مجله تحقیقات حقوقی، (۱ ویژه نامه)، ۳۹۵-۴۴۶.
۲۹. سرتیپ زاده، رحمت اله، و غفاری، مجتبی. (۱۳۹۷). ارکان و شرایط مسوولیت مدنی دولت برای جبران خسارت. کنفرانس ملی اندیشه های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی.
۳۰. سرتیپ زاده، رحمت اله، و غفاری، مجتبی. (۱۳۹۷). مبانی فقهی و اسلامی مسئولیت مدنی دولت (جبران خسارت) در حقوق ایران. کنفرانس ملی اندیشه های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی.
۳۱. سلیمان پور، علی، و ایروانی، امید. (۱۳۹۹). جبران خسارت فارغ از قصور. مجله علمی پزشکی قانونی، ۲۶(۳ مسلسل ۹۴)، ۱۸۳-۱۸۴.
۳۲. صاحب بن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴ ق) المحيط في اللغة، عالم الكتاب، بیروت، چاپ اول.
۳۳. صاحب جواهر، محمد حسن بن محمد باقر. (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار الحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
۳۴. صفایی، سید حسین و حبیب‌الله رحیمی. (۱۳۸۹ ش). مسئولیت مدنی، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
۳۵. طاهری، حبیب‌الله. (۱۴۱۸ ق) حقوق مدنی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم.
۳۶. طباطبایی، سید علی. (۱۴۱۸ ق). ریاض المسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول.
۳۷. طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه دار العلم، قم.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۳۰ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه تاریخ عربی، بیروت.
۳۹. عامر، حسین. (۱۳۷۶ ش). المسئولیه المدنیة التفسیریة و العقدیة، شرکه المساهمه، مصر، چاپ اول.
۴۰. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ق). نهاية الاحکام فی معرفة الأحکام، مؤسسه آل البيت

- عليهم السلام، قم، چاپ اول.
۴۱. عمید، حسن. (۱۳۶۴ ش) فرهنگ عمید، امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم.
۴۲. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق). القواعد الفقهیه، چاپخانه مهر، قم، چاپ اول.
۴۳. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، بی تا، کنزالعرفان فی فقه القرآن، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، پاساژ قدس، قم، چاپ اول.
۴۴. قاسم زاده، سید مرتضی. (۱۳۸۷ ش). الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، نشر میزان، تهران، چاپ دوم.
۴۵. قرآن کریم (ترجمه حضرات آیت ناصر مکارم شیرازی).
۴۶. قناتی، جلیل، جاور، حسین، و صالحی کرهرودی، شاهرخ. (۱۳۹۳). میان کنش قاعده لاضرر و حریم خصوصی خانواده. مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، ۶(۲)، ۱۲۵-۱۵۳.
۴۷. کاتوزیان، امیر ناصر. (۱۳۷۴ ش). ضمان قهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۴۸. کرمی، مجید، مزیدی شرف آبادی، علی، نژندی منش، هیت اله. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی جبران ضرر در جنایات در حقوق ایران و حقوق بین الملل کیفری. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۶(۲)، ۱۱۹-۱۵۴.
۴۹. محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
۵۰. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶ق). قواعد فقه. مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوازدهم.
۵۱. محقق نائینی، محمد حسین. (۱۳۷۳ ش). منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، المکتبة المحمدیة، تهران، چاپ اول.
۵۲. معین، محمد. (۱۳۶۴ ش). فرهنگ فارسی، امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۸) اخلاق در قرآن، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم، چاپ اول، ج ۱، ص ۲۶۰.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ ق). القواعد الفقهیه، مدرسه امام امیرالمؤمنین - علیه السلام، قم، چاپ سوم.

۵۵. موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۴۰۱ ق). قواعد فقهیه، مؤسسه عروج، تهران، چاپ سوم.
۵۶. موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۰ ق) الرسائل العشرة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم، چاپ اول.
۵۷. موسوی خمینی، سیدروح الله. (بی تا)، تحریر الوسیله، دارالعلم، قم، چاپ اول.
۵۸. موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۱ ق) البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران، چاپ اول.
۵۹. میرنقی زاده، میرحیدر، و چراغی، علی. (۱۳۹۷). بررسی مبانی و مستندات فقهی و حقوقی قاعده تقلیل خسارت. قانون یار، ۲(۶)، ۷۹-۹۷.
۶۰. میرنقی زاده، میرحیدر، و چراغی، علی. (۱۳۹۷). بررسی مبانی و مستندات فقهی و حقوقی قاعده تقلیل خسارت. قانون یار، ۲(۶)، ۷۹-۹۷.
۶۱. نجفی فتاحی، صمد. (۱۳۸۳). جبران مادی خسارت معنوی در نظام حقوقی ایران. خبرنامه کانون وکلا، - (۱۸۶).
۶۲. نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۷ ق). عوائدالایام فی بیان قواعد الأحکام، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
۶۳. نظری توکلی، سعید، و نادری پارسا، معصومه. (۱۳۹۸). تحلیل فقهی حقوقی چگونگی جبران خسارت «نقص زیبایی» در جرائم منجر به سوختگی. فقه پزشکی، ۱۱(۳۸-۳۹)، ۳۳-۵۰.
۶۴. نظری، ایراندخت. (۱۳۹۲ ش). الزامهای بدون قرارداد، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
۶۵. نقیبی، سیدابوالقاسم. (۱۳۸۶). نظریه جبران مالی خسارت معنوی در حقوق اسلامی. الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، - (۷۷) ویژه فقه و حقوق اسلامی، ۱۸۱-۲۱۵.
۶۶. نقیبی، سیدابوالقاسم. (۱۳۹۰). قاعده لاضرر و جبران خسارت معنوی به خانواده. مبانی فقهی حقوق اسلامی (پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی)، ۴(۷)، ۹-۲۴.
۶۷. نیکفرجام، زهره. (۱۳۹۲). جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق. مبانی فقهی حقوق اسلامی (پژوهش نامه فقه و حقوق اسلامی)، ۶(۱۱)، ۱۰۵-۱۲۷.